جلسات شرح و تفسیر

حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمدجواد حاج علی اکبری

موضوع:

جلسه ۵۰ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۱۹ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۱/۰۳/۱۶

فهرست

- تجلی انوار رضوی در ماه ذی‌القعده
- لزوم توسلِ خاص به امام رضا در ماه ذی‌القعده
- استغفار، بهترین راه پالایش روح
- مدیریت خشم، یکی از برترین جلوه‌های پارسایی
- امکانِ مهار خشم در آغاز عصبانیت
- هیچ چیز مانند خشم دین‌سوز نیست
- باطن انسان عصبانی مانند سگ است
- راهکار برای مهارِ خشم
- پاداش فروبردن خشم
- فرجامِ خشمگینان
- تأکیدِ مرحوم فاطمی‌نیا بر کنترل خشم
- مهار خشم، فرصتی برای پیشرفت معنوی
- فتنه از پیامدهای بزرگ خشم
- آثار فتنه بر اجتماع
- فتنه بدتر از قتل است
- فتنه‌انگیزیِ خطرناک شیاطین میان مؤمنان
- واکنش مؤمن در مقابل آتش فتنه
- آسان‌ترین و پیچیده‌ترین فتنه‌ها
- خاموش کردن آتش فتنه از بالاترین فضیلت‌ها
- ضرورتِ داشتنِ مهارت برای خاموش کردنِ فتنه‌های بزرگ
- اهمیتِ فوریتِ خاموش کردن آتشِ فتنه
- امام‌جمعه‌ای موفق در بحث کظم غیظ
- اهمیتِ خاموش کردنِ آتشِ فتنه

بسم الله الرحمن الرحیم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَلِّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَ ضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سَتْرِ الْعَائِبَةِ».

تجلی انوار رضوی در ماه ذی‌القعده

ایام پرنور و پربرکت ماه ذی‌القعده بر همه‌ی عزیزان مبارک باشد. ذی‌القعده ماه بسیار شیرینی است و طبع رضوی دارد. اتصال حقیقت و ملکوت این ماه به افق رفعت و رحمت الهی، آن‌هم با تجلی ناب و رأفت و رحمت الهی از افق رضوی، این ماه را بسیار متفاوت می‌کند و امیدهای زیادی را در بین اهل معنا برمی‌انگیزد که بتوانند سهم خود را از لطف پروردگار متعال و عنایت خاص الهی فراوان کنند و از مغفرت الهی بهره‌ی ویژه داشته باشند.

باید این ماه را خیلی قدر بدانیم که مقدمات اتفاق بزرگ بین‌الملل اسلامی، یعنی حج، در همین ماه فراهم می‌شود.

برای اهل سلوک و معنا نیز ماه بسیار خوبی است؛ زیرا ورود به فضای سیر و سلوک حضرت موسی‌بن‌عمران (علی‌نبیناوآله‌وعلیه‌السلام) و وعده خاص الهی و خلوتگاه حضرت حق تبارک و تعالی است که تا دهه‌ی اول ذی‌الحجه امتدا پیدا می‌کند. قرآن هم می‌فرماید: **«وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً؛**[1] و با موسی سی شب وعده گذاشتیم» که ماه ذی‌القعده است **«وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛**[2] و آن

۱ . اعراف: ۱۴۲.
۲ . همان.

را با ده شب دیگر تمام کردیم» که دهه نخست ماه ذی‌الحجه است.

لزوم توسلِ خاص به امام رضا در ماه ذی‌القعده

توسلِ مداوم و منظم از آغاز تا پایان این ماه به حضرت علی‌بن موسی الرضا (علیه‌السلام) موضوعیت دارد. خوب است انسان هر روز، هرچند مختصر با صلوات خاصه یا با یک زیارت کوتاه به امام رضا (علیه‌السلام) توجه پیدا کند. ضمن اینکه این ماه آغاز بسیار ویژه‌ای با ولادت حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله‌علیها) دارد. مناسبت زیارتی در این ماه به‌صورت خاص و عام وجود دارد. خدای متعال توفیق دهد از این فرصت برای جلب رأفت الهی و قرار گرفتن در سایه‌سار نام مقدس رئوف پروردگار متعال استفاده کنیم.

استغفار، بهترین راه پالایش روح

دوستان، نماز یکشنبه‌ها را فراموش نکنند که آثار مخصوص خود را دارد. به توفیق الهی از این نماز چهاررکعتی و استغفارش بهره‌مند باشیم و از ظرفیت این ماه برای زدودن موانع بین خویشتن و الطاف ویژه الهی استفاده کنیم. بهترین راه برای زدودن حجاب‌ها و کدورت‌ها و غبار تعلقات و غفلت‌ها و معصیت‌ها از محیط فطرت، استغفار است.

حضرت رضا (علیه‌السلام)، واسطه ممتاز و خاصی برای جلب رضایت حضرت حق تبارک و تعالی و قرار گرفتن ذیل نام رئوف پروردگار متعال است که متجلی در حضرت علی‌بن موسی الرضا (علیه‌السلام) است. البته همه‌ی اهل بیت (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) این‌گونه‌اند، ولی در امام رضا (علیه‌السلام) درخشش ویژه‌ای دارد.

بنابراین ماه ذی‌القعده فرصت ممتازی برای برطرف کردن کم و کاستی‌ها و شستشوی باطنی و طهارت معنوی است. امیدواریم خدای متعال توفیق بهره‌مندی از آن را به همه کرامت فرماید.

مدیریت خشم، یکی از برترین جلوه‌های پارسایی

بحث ما در بیان زیور صالحان و لباس پارسایان بود. در فهرستی که امام (علیه‌السلام) این موارد را یکی پس از دیگری مطرح کردند، اولین مسئله «**بَسْطِ الْعَدْلِ**» بود که مقداری درباره آن توضیح دادیم. دوم «**وَ کظْمِ الغَیظِ**» بود که مبنای قرآنی‌اش را توضیح دادیم که یکی از برترین جلوه‌های پارسایی مدیریت خشم است. عرض کردیم که «**کظم**» به‌معنای گره زدن درِ مَشک است. پس «**کظم غیظ**» یعنی انسان مَشک خشمش را محکم گره بزند و آن را در وجود خویش هضم کند.

امکانِ مهار خشم در آغاز عصبانیت

خشم وقتی به هیجان می‌آید و برانگیخته می‌شود، در آغاز و پیش از جلوه‌گری بیرونی آن، پیش از آنکه در قالب واژه قرار گیرد و به زبان جاری شود و در قالب رفتار، ظهور و بروز پیدا کند و نسبت به دیگران و به‌ویژه کسی که این برانگیختگی را در انسان به‌وجود آورده، یعنی منبعِ اصلیِ ایجادِ عصبانیت، که به هر دلیلی و با هر انگیزه‌ای با ما روبرو شده و ما را در چنین موقعیتی قرار داده است، قبل از اینکه آشکار شود و طلوع کند، مدیریتش بسیار آسان‌تر است. در آن مرحله می‌شود دین و اخلاق و آبرو را نگه داشت. با مدیریت خشم، انسان می‌تواند روی آتشی که روشن کرده سریع چیزی بیندازد و درونی‌اش کند و با قدرت ایمان و نور عقل، در باطن خویش آرام و خاموشش کند.

اگر انسان در این مرحله موفق شد، هم ایمان و دینش صیانت می‌شود، هم اخلاقش آسیب نمی‌بیند، هم آبرویش حفظ می‌شود.

پس غیظ که برافروختگی خشم در نفس انسان است، اگر در مبدأ و نقطه‌های آغازش مدیریت و مهار و نگهداری شود، چنین آثار و برکاتی دارد. وگرنه به هر اندازه خشم آزاد شود و در چهره و سخن و رفتار ما تجلی پیدا کند، به همان اندازه به دین و اخلاق و آبروی ما آسیب می‌زند. حیثیت اجتماعی ما، جایگاه تربیتی ما به‌عنوان پدر و مادر نزد فرزندان، جایگاه اثرگذاری ما در خانواده و خویشاوندان با خشم از بین می‌رود و چیزی برای انسان نمی‌گذارد.

هیچ چیز مانند خشم دین‌سوز نیست

مدیریت خشم در درجه اول به‌منزله پاسداشت ایمان انسان است، زیرا هیچ‌چیز به اندازه خشم ایمان‌سوز نیست. در اصطلاح مثل سَری است که تیغ بیندازند. آقایان گاهی سرشان را با شماره‌ی هشت می‌زنند، گاهی با شماره‌ی چهار می‌زنند، گاهی با تیغ می‌زنند که در آن صورت هیچ اثری از مو در سرشان نیست. اگر حج مشرّف شوید، می‌بینید که سرهای برّاق در منا دیدنی است! کلاً چهره‌ها عوض می‌شود. «**حالقه**» همین است، یعنی همه را صاف می‌کند. خشم، دین انسان را این‌گونه درو می‌کند. تمام آن چیزی را که انسان فراهم کرده است، به باد فنا می‌دهد. سِرّش این است که به‌تصریح روایات در حالت خشم، افسار انسان به دست شیطان می‌افتد. آن که حرف می‌زند، شیطان است. وقتی

عصبانی می‌شوید، شیطان بر شما مسلط می‌شود و هرجا بخواهد، شما را می‌برد. لذا انسان‌ها هنگام خشم با حرف‌ها و رفتارهایشان پل‌هایی را خراب می‌کنند، به روابطی آسیب می‌زنند، دل‌هایی را می‌شکنند، آبروهایی را بر باد فنا می‌دهند و .... ناگهان رفتار، گفتار، نوشتار یا آبرویی را بر باد می‌دهند که دیگر نمی‌شود درستش کرد. ایمانِ انسان از دست می‌رود. ضمن اینکه به شخصیت انسان چوب حراج می‌زند و شخصیتِ فرد را در اجتماعی که در آن است، خانواده یا محیط کار، کاهش می‌دهد. عصبانیت به‌منزله سقوط آزادِ شخصیتی است. کاهنده است. آدم فرومایه می‌شود و دیگران ممکن است در ظاهر به‌خاطر رعایت ادب یا از سر ناچاری کوتاه بیایند، ولی در درونشان به عقل این آدم می‌خندند.

باطن انسان عصبانی مانند سگ است

اگر پرده کنار برود، چهره‌ی انسان در لحظه عصبانیت، سگ‌مانند است! اهل باطن او را مانند سگی می‌بینند که دارد حمله می‌کند. آسیبش بسیار عجیب و غریب است. کمتر چیزی در مباحث اخلاقی پیدا می‌کنیم که به اندازه خشم، مدیریت‌نشده باشد. خشمِ رهاشده با ایمان و اخلاق و حیثیت و آبروی ما بازی می‌کند. اگر کسی دوست دارد چیزی برایش نماند، عصبانی شود. لذا شیطان از این عنصر خیلی استفاده و بهره‌برداری می‌کند. انسان هرچه می‌تواند نیکی جمع می‌کند، اما با یک عصبانیت، شیطان همه‌اش را کیسه می‌کند و سرقت می‌کند و می‌بَرد. انگارنه‌انگار که این بنده‌ی بیچاره این‌همه حسنات برای خود جمع کرده بود. لذا «**کظم غیظ**» برجستگی خاصی در تقوا دارد. آیه‌اش را که جلسه

قبل خواندم، این بود: «**الَّذِینَ یُنْفِقُونَ فِی السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْکَاظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ وَاللهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ**؛[۳] همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند. و خداوند نکوکاران را دوست دارد».

راهکار برای مهارِ خشم

بنابراین باید به «فرو بردن خشم» بسیار اهمیت داد، به‌ویژه آنان که مزاجشان تند است، به فریاد خودشان برسند و مراقبت کنند. بعضی افراد طبعشان مساعد است و خیلی تحریک‌پذیرند و خیلی زود از کوره در می‌روند. اینان باید برای مراقبت از خویشتن، برنامه‌های بسیاری بگذارند و نیروهای درونی‌شان را تقویت کنند، قرارهای ویژه برای مدیریت خشمشان داشته باشند.

در مواردی که عصبانی می‌شوند، بعداً خود را مجازات کنند و در محاسبه با خود، سخت‌گیرانه برخورد کنند. در شرایط و جاهایی که برای آنها خشم‌برانگیز است، کمتر حضور پیدا کنند. اگر پیش آمد، سریع از آنجا خارج شوند و جایشان را عوض کنند. وضو بگیرند و سریع خود را به سجاده برسانند و ذکر صلوات را فراوان بگویند.

فروخوردن خشم، به تعبیر روایات، جرعه بسیار شیرینی است. فروبردن خشم ابتدا مقداری سخت است، اما وقتی درونی شد، گشایش درونی برای انسان به‌وجود می‌آید، انسان در درون خویش نوعی گسترش و بزرگی احساس می‌کند و آن مبنای سیر و سلوک و یکی از مبانی رشد است که انسان بتواند در این مرحله به‌لطف خدای متعال موفق شود.

۳. آل عمران: ۱۳۴.

پاداش فروبردن خشم

امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: «**مَنْ كظَمَ غَيظاً وَهُوَ يقْدرُ عَلى امْضائه حَشاهُ اللّهُ قَلْبَهُ امْناً وَايماناً يوْمَ الْقِيمَةِ**؛[4] کسی که خشمی را فرو خورد، در حالی که می‌تواند آن را اِعمال کند، خداوند در روز قیامت دلش را از ایمنی و ایمان بیاکَنَد». کسی که می‌تواند خشم را آشکار کند، فریاد بزند و همه‌چیز را به‌هم بریزد، زور بازو و حنجره‌اش اجازه می‌دهد، میدان دستش است و از سر ضعف نیست، با اینکه می‌تواند اما اگر خشمش را فرو بخورد و بپوشاند، خدای متعال در قیامت قلبش را سرشار از نور ایمان و امان و آرامش خواهد کرد. چون متعلق به آنجایی و هرچه داری، مال و فرزند و موجودی و مُلک و ریاست که همه‌اش بازی دنیا است، هیچ‌کدام از اینها آنجا نیست، آنجا این قلب است. همان اندازه که خشم، قلب انسان را سیاه می‌کند و دست انسان را از ایمان در دنیا و امان الهی در قیامت خالی می‌کند، کنترل و مدیریتش نیز به همان اندازه باعث می‌شود که خدای متعال در قیامت قلب و حقیقت وجودی انسان را از امن و ایمان سرشار کند، به‌ویژه برای کسی که می‌تواند طرف مقابل را سرکوب کند، ولی مدیریت می‌کند و خود را نگه می‌دارد.

فرجامِ خشمگینان

عرض کردیم آن طرف قضیه نیز شیطان است. خشم، دست شیطان را کلاً بر انسان باز می‌کند و او را مسلط می‌کند. خشم و غضب، کمند و دام شیطان است. شیطان ملعون می‌گوید: «**الغَضَبُ رَهَقی وَ مصیادی وَ بِه أَسُدُّ خِيَارَ الْخَلْقِ عَنِ الْجَنَّةِ وَ طَرِيقِهَا**؛[5] خشم افسار و وسیله شکار من است و به‌وسیله آن، مردم خوب را از بهشت و راه

٤ . کلینی، الکافی، ج۲، ص۱۱۰.

٥ . شعیری، جامع الأخبار، ص۱۵۶.

آن باز می‌دارم». به‌وسیله خشم بهترین بندگان خدا را از ورود به بهشت ممنوع می‌کنم. درِ بهشت را به روی آنها می‌بندم، به دست خودشان راه بهشت را برایشان قطع می‌کنم.

تأکید مرحوم فاطمی‌نیا بر کنترل خشم

خداوند آقای فاطمی‌نیا، این مردِ اخلاقی و موفق و استاددیده و اهل معنا را رحمت کند. از آثار و کلمات ایشان می‌شد فهمید که تأکید بسیار زیادی بر مدیریت خشم دارند. کمتر سخنرانی از ایشان دیدم که سفارش به کنترل خشم نکند. زیرا ایشان می‌بینند که تو وقتی عصبانی می‌شوی، دیگر چیزی برایت نمی‌ماند. اما خشمِ مدیریت‌شده، داستان مستقلی دارد. مدیریت می‌شود و از حالت نفسانی خارج می‌شود، از اختیار نفس بیرون می‌آید. سپس انسان می‌بیند که حالا باید درباره‌ی فلان شخص یا فلان موضوع تصمیم بگیرد. ممکن است آن تصمیم نتیجه‌اش نابودیِ طرف مقابل باشد، اما این عقل است که تصمیم می‌گیرد و وارد میدان می‌شود نه نفس. آن بحث دیگری است. الآن انسان مؤمن با بردباری توانسته این خشم را نگه دارد و بعد به دست عقل می‌دهد. آن‌گاه عقل طبق قواعد حکمت و موازین و رضای الهی این خشم را فعال می‌کند و مانند سدّی که جلوی آب می‌بندید، خیلی وسیع، به اندازه و طبق قاعده، آن را برای اصلاح اجتماعی و اصلاح افراد بهره‌برداری می‌کند. اینجا مرزبندی‌اش خیلی دقیق است؛ زیرا ممکن است گاهی خودمان نیز خود را فریب دهیم و بگوییم من این کار را برای تربیت و اصلاح انجام می‌دهم. انسان باید دقیق شود که فریب نفس را نخورد. آیا این عقل است که به او اجازه می‌دهد این مقدار عصبانیتِ اندازه‌گیری‌شده را آزاد

کند یا نفس است؟

مهار خشم، فرصتی برای پیشرفت معنوی

گاهی فشارهای اجتماعی و اقتصادی روی اعصاب اثرگذار است و زمینه را برای بروز خشم فراهم می‌کند. در این‌گونه موارد انسان باید مراقبت‌ها را بیشتر کند. گاهی ممکن است انسان دوستی داشته باشد که برانگیزانندگی دارد. آنجا انسان باید بیشتر بر خویش مسلط شود. اگر انسان قدر این نوع فرصت‌ها را بداند و در این‌گونه موارد که عوامل بیرونیِ برانگیزاننده‌ی خشم فعال‌تر عمل می‌کنند، انسان به همان اندازه خویشتن‌بانی را تقویت و مراقبت‌هایش را بیشتر کند، این کار باعث پیشرفت و رشد باطنی او می‌شود.

فتنه از پیامدهای بزرگ خشم

پس از «**فی بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ کظْمِ الغَیظِ**»، نوبت به سومی می‌رسد که جالب است: «**وَ إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ**». در مورد قبل شما باید می‌توانستید آتش درونی‌تان را خاموش و مراقبت کنید که شد «**کظْمِ الغَیظِ**». اینجا می‌فرماید: «**وَ إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ**» که دقیقاً به‌معنای آتش‌نشانی است! «**اطفاء**» یعنی فرونشاندن و خاموش کردن. «**نائره**» یعنی آتش. «**إِطْفَاءِ النّائِرَةِ**» جزء زینت صالحان و آراستگی و زیبایی و لباس پرهیزکاران است. اینجا طبعاً مقصود فتنه‌هایی است که در روابط اجتماعی و انسانیِ پیرامون ما شکل می‌گیرد. فتنه‌انگیزی و روشن کردن این آتش‌ها، فوقِ تخصص شیطان است. اصلاً در عالی‌ترین سطحِ ممکن این کار در حوزه تخصصی ویژه‌ی شیطان است که می‌تواند آتش روشن کند. در اصطلاح

قرآن کریم و در روایات ما در مورد ایجاد درگیری‌های اجتماعی و برانگیختن‌ها و آشوب‌ها از کلیدواژه‌ی «**فتنه**» یاد شده که بین دو نفر یا دو خانواده یا دو گروه سیاسی است یا میان دو شهر است. گاهی میان چند گروه است. آن خشمی که تا کنون درباره‌اش صحبت می‌کردیم، در درون خودمان است اما میان چند گروه، زمانی است که بروز اجتماعی پیدا کرده و به درگیری و آشوب تبدیل شده است. درگیری‌های زبانی و بدنی است و گاهی اسلحه وسط می‌آید؛ سلاح سرد یا سلاح گرم.

آثار فتنه بر اجتماع

کمتر چیزی را می‌شناسیم که در حد فتنه‌های اجتماعی و درگیری‌ها و آشوب‌ها، به شیرازه‌ی زندگی طیبه آسیب بزند، چه در محیط‌های کوچک و چه در محیط‌های بزرگ. ازنظر اخلاقی، روحی و ایمانی عوارض دارد، اضطراب و ترس و ناامنی ایجاد می‌کند. وقتی امنیت اجتماعی درمعرض خطر قرار گیرد، تقریباً همه‌گونه موفقیتی برای آن جامعه دفن می‌شود و همه‌اش در این آتش می‌سوزد. لذا همیشه در دستور کارِ جدیِ شیطان است. «**کظم الغیظ**» پیوسته داشت می‌گفت انسان‌های تربیت‌شده و متقی از همان آغاز، خشم خود را کنترل می‌کنند و نمی‌گذارند شعله‌ور شود و تبدیل به آتش فتنه اجتماعی شود. اما اگر کنترل نشد و به یک آتش اجتماعی تبدیل شد، عوارض خاص خود را دارد.

فتنه بدتر از قتل است

این بحث مفصلی دارد. این‌قدر بدانید که طبق منطق قرآن کریم، فتنه وقتی به فتنه‌ی سازمان‌یافته تبدیل می‌شود مثل آشوب‌های اجتماعیِ کنونی که پشتش طراحی‌های خاصی وجود

دارد، از قتل بالاتر است. قرآن صراحتاً می‌فرماید: «**وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ**؛[۶] فتنه از قتل بدتر است». در فهرست گناهانی که در ذهن خود داریم می‌گوییم آخرین مرتبه‌اش ریختن خون است، قتل گناهِ کبیره‌ی بزرگی است، یعنی در فهرست کبائر جزو اکبرالکبائر است. قرآن کریم فتنه را از قتل شدیدتر و سنگین‌تر می‌داند. چون خودِ آتش فتنه عملاً، هم زمینه‌ی از بین رفتن زندگی ظاهری خیلی افراد است، هم زمینه‌ی از بین رفتن زندگی باطنی خیلی‌ها است. کسانی که آتش فتنه را روشن می‌کنند و تخصصشان، ایجاد دعوا بین افراد و گروه‌ها و شهرهاست، اینان عوامل شیطان هستند. وقتی آتش شعله کشید البته قتل نیز در آن اتفاق می‌افتد؛ ذبح حرمت‌ها، ذبح آبروها، حیثیت‌ها، ایمان‌ها و از بین رفتن امنیت همان‌جا اتفاق می‌افتد. همه‌چیز به باد فنا می‌رود. این از موارد سنگینش است. موارد کوچک‌ترش زمانی است که میان یک خانواده یا فامیل، دعوا اتفاق می‌افتد.

فتنه‌انگیزیِ خطرناک شیاطین میان مؤمنان

فتنه‌انگیزی و ایجاد درگیری و آسیب زدن به آبرو و شخصیت همدیگر، توسط عناصر شیطانی در محیط‌های ایمانی خیلی پیگیری می‌شود. شیاطین اطراف مسجد می‌چرخند که اهل مسجد را به جان هم بیندازند و هنگامی‌که این آتش روشن می‌شود، به این آسانی خاموش نمی‌شود، زیرا به آن رنگ دینی می‌زنند. هریک دیگری را مقصر و تکفیر می‌کند، از مرحله‌ای که عبور می‌کند حالت فتنه پیدا می‌کند. الآن که دارم می‌گویم، تمامی مصادیق زنده‌ی آن مقابل چشمم است و مبتلا هستیم. آدم خون دل می‌خورد که بتواند آرامش

۶ . بقره: ۱۹۱.

دهد اما بعضی را نمی‌شود آرام کرد و موفق نمی‌شویم. معلوم است سرمایه‌گذاریِ شیطان در اینجا بزرگ است، زیرا اگر اینها فضایشان لبریز از صمیمیت و محبت باشد، در رشد به هر جایی می‌توانند برسند. وقتی دعوا می‌کنند، به‌ویژه وقتی درگیر می‌شوند، «**حلق الایمان**» می‌کند یعنی سر ایمان‌هایشان را می‌تراشد. شیطان می‌خواهد و دوست دارد این اتفاق بیفتد. لذا شیاطین اطراف مؤمنان، مجالس و هیئت‌ها و مساجد خیلی می‌چرخند تا بهانه درست کنند، بهانه‌ها نوعاً افرادِ تربیت‌نشده هستند، مخصوصاً اگر عناصر تربیت‌نشده و بی‌ظرفیت یا کم‌ظرفیت دارای جایگاه مناسبی باشند، مثلاً امام جماعت، امام جمعه، رئیس هیئت امنا، رئیس فلان ستاد یا مسئول و فرمانده فلان پایگاه باشند. این افرادِ کم‌ظرفیت و عصبانی که مدیریت خشم ندارند، بهترین طعمه‌های شیطان برای ایجاد آتش و فتنه‌های اجتماعی، به‌ویژه در محیط‌های مؤمنان هستند. باید برای این مسئله فکر تازه‌ای کرد. من الآن احساس می‌کنم بیش از همیشه از این جهت‌ها داریم آسیب می‌بینیم. وقتی به‌مناسبت کار یا مسئولیتی که دارید و محل مراجعه هستید، این دو گروه به شما مراجعه می‌کنند تعجب می‌کنید وقتی طرفین را می‌بینید. جبهه، جبهه ایمان و کفر است. خدا شاهد است الآن یک مسجد در تهران که مصداقش جلوی چشمم است، جبهه ایمان و کفر است. یعنی شخص، طرفِ مقابلِ خود را کاملاً تکفیر می‌کند، شاید به زبان نگوید ولی خصوصی به ما می‌گویند. می‌گویند ما او را فاقد تقوا و ایمان می‌دانیم. درگیری‌ها بسیار عجیب و غریب است. وقتی ریشه‌یابی می‌کنید، می‌بینید تمام بهانه است و همه‌اش نفسانیت است. همیشه در این‌گونه دعواها واقعیتی هم

هست و آن اینکه کسی کم‌کار یا بی‌دقت است، کسی بداخلاقی کرده یا جایی کم گذاشته و اشتباهی کرده‌است. مگر می‌شود جایی را پیدا کنید که از این مسائل نباشد؟! اما اینکه تبدیل به «نائره» می‌شود، کاملاً دارد پشتیبانیِ شیطانی می‌شود که شعله‌ور بماند. به تعبیر امام (علیه‌السلام) «**نائره**» همان فتنه است یعنی آتشی روشن شده و شعله گرفته‌است.

طبق همان قاعده قبلی که گفتیم چه بر سرِ ایمان و آبرو و اخلاق شخص می‌آورد و ریشه او را می‌زند، همین اتفاق در محیط اجتماعی نیز می‌افتد، مسجدی که باید محیط تجلی نور خدا باشد، محیط شعله گرفتنِ آتشِ شیطان شده‌است. آتش شیطان اینجا روشن شده و دودش نیز بلند شده‌است. وقتی این افرادِ ظاهراً مؤمن و انقلابی به جان همدیگر می‌افتند، شیاطین آنجا چه جشنی می‌گیرند و پایکوبی دارند. نهایتِ خواسته‌ی شیطان آنجا تحقق پیدا می‌کند.

واکنش مؤمن در مقابل آتش فتنه

۱. شتاب در خاموش کردنِ آتش فتنه

این آتش کجا و آتشِ ساختمان کجا! این آتش «**أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ**» است که در مواقع پیشرفته‌اش تبدیل به فتنه در مقابل امام مسلمین و ایجاد آشوب‌های اجتماعی در برابر امام حق می‌شود؛ مانند فتنه قاسطین و ناکثین و مارقین در برابر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام). فتنه **۸۸** در جامعه خودمان که تجربه کردیم از این قبیل است. اینکه چقدر باید طراحی‌های دقیقی شود که این آتش‌ها روشن شود، داستان جداگانه‌ای دارد. ما فعلاً کاری با آن بخش نداریم. چه‌بسا خیلی

از این فتنه‌ها قابل پیشگیری باشد؛ پیشگیری‌های روشمند و سیستماتیک ازنظر طراحی، شیوه، ساختارها و تنظیمات. الآن بحث ما در مورد وقتی است که آتشی روشن شده است.

برای انسان مؤمن و پارسا و صالح، فرونشاندن آتش این فتنه به‌منزله یک عملیات فوریِ جدی در دستور کار است. کلاً انسان پرهیزکار یک کپسول آتش‌نشانیِ این‌چنینی همیشه همراهش است. اصلاً وجود انسان مؤمن طبق مبنایی که برای شما خواندم، این‌گونه است: «**إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ**» یعنی فوری کپسولش را درمی‌آورد و سراغ آتش می‌رود که آن را خاموش کند. انگیزه دارد. به خدا پناه می‌بریم از اینکه خودِ ما روشن‌کننده‌ی آتش باشیم. انسان پارسا هرگز وجودش ایجادکننده‌ی فتنه نیست.

۲. بی‌تفاوت نبودن

نکته دوم اینکه نسبت به آتشی که پیدا شده، بی‌تفاوت نیست. تقوا و صلاح اقتضا می‌کند که انسان مؤمن نسبت به فتنه‌های طایفه‌ای، خانوادگی، قومی، قبیله‌ای، منطقه‌ای، شهری، محیط کار و هر چیزی بی‌تفاوت نیست. حتی در محیط عمومی نمی‌تواند بی‌تفاوت رد شود، بلافاصله وارد میدان می‌شود و تلاش می‌کند که آتش را خاموش کند. گاهی چند نفر باهم دعوا می‌کنند و همدیگر را می‌زنند و یک عده تماشا می‌کنند، عده‌ای آتش‌بیارِ معرکه می‌شوند و تشویق می‌کنند. بعضی‌ها بی‌تفاوت از آنجا عبور می‌کنند، عده‌ای برای خاموش کردن آن آتش وارد می‌شوند. شما جزو کدام‌یک از اینها هستید؟ اگر با این صحنه روبرو شوید و بخواهید خاموش کنید هزینه دارد، احتمالاً قدری از آن آتش شما را نیز می‌گیرد،

گاهی یک مُشت می‌خورید یا فریادی سر شما زده می‌شود. این‌گونه نیست که وسط معرکه بروید و سالم بیایید. خواستی فتنه را خاموش کنی باید سرمایه‌گذاری کنی. انصافاً چقدر آماده هستیم برای اینکه در این موارد هزینه کنیم؟ گاهی از آبرویمان و گاهی از مال باید انفاق کنیم. ممکن است دعوا سر پول باشد. یکی می‌گوید پول من را نمی‌دهد. دیگری می‌گوید من ندارم و نمی‌توانم بدهم.

امام صادق (علیه‌السلام) پول نزد مفضل گذاشته بودند و فرمودند هرجا دیدی دوستان ما بر سر مسائل مالی به جان هم افتادند، از این پول خرج کن و فتنه را بخوابان.

آسان‌ترین و پیچیده‌ترین فتنه‌ها

آسان‌ترین بخش فتنه‌ها، فتنه‌های مالی است یعنی وقتی‌که دعوا سر مسائل مالی است و پیچیده‌ترین فتنه‌ها، فتنه‌های مذهبی است. مبادی آن مبادی خاصی است و لذا آن جاها ایجاد صلاح و آرامش خیلی کار می‌برد، خیلی آبرو و حوصله و وقت نیاز است. انسان باید خیلی اعصاب بگذارد تا بتواند این آتش را بخواباند. خاموش کردنِ فتنه‌های خانوادگی خیلی کار می‌برد؛ زیرا همیشه محبت‌های پیشرفته، نفرت‌های پیشرفته به‌وجود می‌آورد. اصلاً قابل توصیف نیست مثلاً زن و شوهرهایی که در حد اعلای عشق به همدیگر بوده‌اند می‌بینید در حد اعلای نفرت هستند. به خودِ من می‌گوید حاضر نیستم دیگر اسم او را بشنوم. اسمش را می‌بری اصلاً حال من خراب می‌شود. درحالی‌که زمانی

اگر اسم او را می‌بردند انگار تمام عالم را به او می‌دادند. فتنه‌های خانوادگی و فامیلی خیلی پیچیده است.

خاموش کردن آتش فتنه از بالاترین فضیلت‌ها

یکی از بالاترین فضیلت‌ها برای انسان متقی این است که خاموش‌کننده‌ی این فتنه‌ها باشد. اینجا حضرت این را از خدای متعال می‌خواهد و می‌فرماید من جزو کسانی باشم که خاموش‌کننده‌ی این آتش‌ها در بین مؤمنان باشم. پس انسان مؤمن متقی با همه توان و امکانش وارد می‌شود.

ضرورتِ داشتنِ مهارت برای خاموش کردنِ فتنه‌های بزرگ

البته بعضی از فتنه‌ها خاموش کردنش نیازمند مهارت و صلاحیت‌هایی است. گاهی انسان اگر وارد نشود، خوب است. یعنی گاهی ما وارد می‌شویم و به‌جای اینکه آتش را خاموش کنیم، بدتر می‌شود، مثل بنزینی که انسان می‌ریزد. صلاحیت‌هایی می‌خواهد؛ اینکه خودِ شخص چقدر آمادگی داشته باشد، زبان درستی می‌خواهد، فهم دقیق می‌خواهد، مهارت‌های ویژه‌ای در ورود و خروج مسائل می‌خواهد، اینکه چگونه اینها را تنظیم کند و حضورش مفید باشد. لذا بعضی از این موارد کار هرکسی نیست. اما بعضی افراد این ظرفیت را دارند که خداوند تبارک و تعالی به‌واسطه وجودشان دو شهر یا حتی دو کشور را با یکدیگر صلح دهد، اصلاً جنگ را می‌خوابانند، چه رسد بین دو نفر یا دو خانواده. اینها چقدر خوب است! آنان که می‌خواهند این مقامات را در دستگاه الهی داشته باشند، باید آموزش ببینند. اگر کسی ظرفیت و امکانش را دارد، باید یاد بگیرد. اما بعضی از فتنه‌های ساده هم هست که هرکسی می‌تواند به شکلی

وارد شود و با اقدامی ایجابی یا سلبی، مسئله را حل و فصل کند.

اهمیتِ فوریتِ خاموش کردن آتشِ فتنه

خیلی شبیه به این، در مرحله بعد است. «**إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ**» حالت فوریت دارد. چون تجربه هم نشان داده است که این آتش وقتی روشن شود در هر مقیاسی، سریع خود را گسترش می‌دهد و عمیق می‌کند؛ یعنی هم ازنظر کمی و محیطی سریع توسعه پیدا می‌کند، هم ازجهت عمق و ضربه‌هایی که می‌زند. لذا اورژانسی است، جزو چیزهایی است که آنهایی که اهلیتش را دارند و می‌توانند، آنان که خدای متعال توفیقش را به آنها داده، باید این را کاری فوری تلقی کنند. باید سریع دنبال ماجرا بروند و بتوانند شرایط را آرام کنند.

امام‌جمعه‌ای موفق در بحث کظم غیظ

امام‌جمعه اهواز آقای موسوی‌فر این‌گونه است. آنجا گاهی از این مسائل داریم. گاهی فتنه‌ی آب است، گاهی فاضلاب است، گاهی متروپل است. دائم برایشان پیش می‌آید و به‌لطف خدای متعال ایشان حضورِ به‌هنگام، فوری، اثربخش و آرام‌کننده دارد. زمانی ایشان به من می‌گفت: شنیدم در فلان محله جریان فاضلابْ وحشتناک است. دشمن هم این‌گونه جاها آماده است که وسط میدان بیاید و از این موقعیت‌ها سوءاستفاده کند و ازنظر سیاسی و ایجاد دردسر و آشوب‌های اجتماعی بهره‌برداری‌های خاص خود را دارد.

گزارشی به ما رسید که آقای موسوی‌فر وسط همان محل رفته که آتش شعله کشیده و عصبانی بودند. الحمدلله از فضل سیادت

هم بهره‌مند هستند. حرف‌های آنان را شنیده و بعد گفته بود فعلاً نماز بخوانیم. عبایش را درآورده و وسط آن اوضاع انداخته و شروع به نماز خواندن کرده بود. بعضی از افرادی که آمده بودند آنجا شلوغ کنند وقتی دیدند آقا به نماز ایستاده، رفتند پشت‌سرش ایستادند. نماز «**ذکر الله**» است و زمینه را برای عقلانیت بیشتر می‌کند. سپس پیگیری کردند. ایشان این‌گونه است آنجا تعهد داد که من پیگیری می‌کنم. صداقت و صفای زیادی دارد. اتفاقاً چند وقت بعدش خدمت رهبری شرفیاب شده بودیم. دیدم به پیگیری در دستگاه اجرایی اکتفا نکرده بود. در جلسه‌ای که محضر رهبر بودیم آمد و شروع کرد مسئله را مطرح کرد. بعد رهبر به مسئله شرایط فاضلاب آنجا اشاره کردند و فرمودند آن چیزی که ما زمانی گفته بودیم، اگر عمل کرده بودند کار به اینجا نمی‌کشید.

وسط جریانات آبادان که همه‌چیز آماده است برای اینکه دشمن سوءاستفاده کند، نقش ایشان در فرونشاندن فتنه‌ها و آرامش دادن به مردم و ایجاد احساس خوب، بسیار برجسته و فوق‌العاده ممتاز است.

اهمیتِ خاموش کردنِ آتشِ فتنه

از خدای متعال بخواهید که وجود نازنینتان را توسعه دهد و ازنظر شخصیتی در افقی باشید که هنر آرام کردن فتنه‌ها و خاموش کردن آتش‌ها را داشته باشید. فضیلتش اصلاً قابل توصیف نیست. اگر کسی موفق شود فتنه‌ای را در بین دوستان اهل بیت، در بین مؤمنان، میان جامعه و انسان‌ها و افراد عادی که به جان هم افتادند، خاموش کند، خدای متعال او را بسیار دوست می‌دارد و اسم این آدم را به بزرگی در آسمان‌ها می‌برند.

فتنه‌ها سریع توسعه پیدا می‌کند و اگر دیر شود، شیاطین سوار می‌شوند و آسیب‌هایش عمیق می‌شود. ضربه‌هایی وارد می‌شود که جوشکاری و اصلاح، که مسئله بعدی ما است، سخت می‌شود.

انسان هرچه روایات و کلمات اولیای خدا و سیره‌ی پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) را می‌خواند و هرچه به منابع مراجعه می‌کند، می‌بیند مؤمن نیمرخش عقلانیت است، حلم است، حُسن خلق است، آرامش است، آرامش‌بخش است، اتحاد باطنی دارد. لذا می‌تواند در محیطی که هست وحدت‌آفرین و برقرارکننده‌ی ارتباط باشد. هرجا هست جمع و وصل می‌کند، ارتباط ایجاد می‌کند. اینها نماد ایمان واقعی است و تقوای واقعی این است.

همه‌ی اینها را یک‌جا در پرتو توسل به ساحت مقدس حضرت علی‌بن موسی الرضا (علیه‌آلاف‌التحیةُ‌والثناء) از خدای متعال برای اهل مجلسمان تمنا می‌کنیم.

افـــق‌ها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir ◎ سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)

تهران، خیابان سرچشمه

مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر